

کار خود گر به خدا باز گذاری حافظ ...

در بین اولیای الهی اشخاصی بودند ، با این که سنگین ترین بلاها را داشتند اما یکی از آن ها دچار ضعف اعصاب و افسردگی و درهم ریختگی نبودند؛ چون در عین این که در زندگی مشکل داشتند ولی با زندگی مشکل نداشتند. و مدیریت و تدبیر خدا را کاملاً پذیرفته بودند. مرحوم آیت الله شیخ غلامرضا یزدی اعلی الله مقامه قهرمان تسلیم و رضا بود. مصیبت سنگینی بر او وارد شد و فرزند جوانش که فاضل و با تقوا بود، از سفر خانه خدا و عتبات قم آمد و مریض شد و از دنیا رفت. در تشییع او همه گریه می کردند. فقط پدر مثل کوه دائم شکر می گفت و راضی بود . خودش وارد قبر شد و تلقین کرد فقط بیرون می آمد، چشمش اشکی زد. به خودش گفت : ای اشک مگر چطور شده ؟ « اللهم و بحمدک ! »

کار خود گر به خدا باز گذاری حافظ ای دوصد عیش که با بخت خدا داده کنی

[مسعود عالی، بهشت و جهنم ، نشر عطش ، چاپ دوم ، ۱۳۹۲ ، ص ۱۰۸ و ۱۰۹]

دو راه درمان!

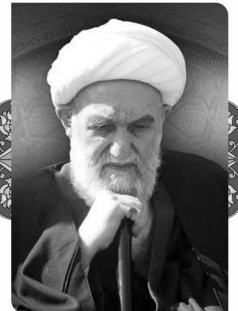
حضرت آیت الله سید عبدالکریم کشمیری (قدس سره) می فرمودند: برای از بین بردن صفات رذیله دو راه درمان وجود دارد یکی راه مجاهده است که انسان باید زحمت و ریاضت بکشد تا آن ها را بیرون کند. اما یک راه دیگر هم هست که اگر به این مقام برسد همه رذائل با هم از بین می رود مثل کسی که در حال غرق شدن باشد و یک نفر بیاید او را نجات بدهد یا کسی که مثلاً پایش یا دستش نجس است و در آب گر، همه بدنش تمیز و طاهر می شود. آب گر یعنی یاد خدا. اگر یاد خدا دائم باشد، صفات رذیله همه اش با هم برچیده می شود و این یاد و محبت خدا مانع می شود که انسان کار زشتی انجام دهد. ایشان با این که خودشان خیلی ریاضت کشیده بودند، اما راه دوم را که محبت (و یاد) خداست صلاح می دانستند و خیلی بر آن تأکید داشتند.

[حسین کربلایی، یاد حق ، انصار المهدی ، چاپ اول ۱۳۹۲ ، ص ۳۶]

به جنگ خدا نرویم!

یکی از صفات مؤمنین و اولیای الهی به جای آوردن شکر نعمت های الهی است. انسان باید در هر حالی شاکر باشد. خداوند چقدر به ما نعمت داده است مگر ما طلبکار بوده ایم. ما را صحیح و سالم آفریده، چندین کارخانه در وجود ما آفریده است، گوش، چشم، زبان و عقل و... شکر این ها را به جا آوریم، نمک شناس باشیم. شکر این است که به جنگ خدا نرویم و هر چه گفت، بگوییم چشم. معصیت و فعل حرام جنگ با خداست، مثل چشم چرانی، غیبت و ریا... اینها جنگ با خداست، گفته نکن و من انجام میدهم.

[فرازی از فرمایشات استاد اخلاق آیت الله ناصری]



این جا اگه اومدین باید عاشق باشید!

به سپاه و سپاهی تعصب داشت . می گفت : سپاهی باید آچار فرانسه باشه ، اگه توی قسمت زرهی آموزش می بینه ، روی کار خودش مسلط باشه، اما هر وقت جای دیگه هم لازم باشه ازش استفاده کنیم، بتونه وظایفش رو انجام بده. سپاهی یا باید عاشق باشه یا دیوانه . کسی که دنبال مادیات اومده باشه توی این لباس ، غلط ترین راه را انتخاب کرده ، این جا اگه اومدین باید عاشق باشید. عاشق خدمت به اسلام ، به مردم ، و الا اشتباه کردید. به لباس هایی که به تن دارید نگاه کنید. چه رنگیه؟ این لباس ها شاید به ظاهر سبز باشه ، ولی روی هر کدام می شود سرخی خون رو دید . سرخی خون کسانی که یک روز این لباس ها رو پوشیدن و جون نشون رو به خاطر اسلام و انقلاب تقدیم کردن. پس همیشه یادتون باشه ، پوشیدن این لباس چه مسئولیت سنگینی براتون داره...

[برگرفته از کتاب از همه عذر می خواهم ، خاطراتی از سردار شهید مهدی زین الدین ، رآوی صابر مهر تژاد ، نشر یا زهرا ، چاپ اول ، ۱۳۹۱ ، ص ۲۳]



سوال

آیا خمس به بیمه های عمر و پس انداز تعلق می گیرد؟ در مورد بیمه ی آتش سوزی و حوادث چطور؟

جواب

بیمه گذار آنچه را طبق قرار داد بیمه به عنوان حق بیمه به تدریج یا یکجا به بیمه گر می پردازد، اگر از درآمد همان سال پرداخت باشد، جزو مؤونه او محسوب است و خمس ندارد و آنچه را که از بیمه گر در پایان مدت یا در وقت حصول شرطی که پرداخت خسارت موکول به آن شده دریافت می نماید جزو درآمد کسب محسوب نیست و خمس ندارد .